

جشنواره سی و سوم کودک و نوجوان ویتترین واقعی وضعیت سینمای کودک و نوجوان است

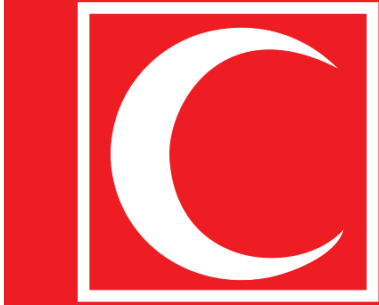
نمایش ویژه بی تفاوتی به سینمای کودک

مفحده‌های ۱۲ و ۱۳ را بخوانید

حکم محکومیت رئیس سابق سازمان هلال احمر منتشر شد، لزوم شفافیت برای اصلاح روندها در این مجموعه به شدت احساس می‌شود

ساختمان صلح را شیشه‌ای کنید

۱۶



باور نداشتن طرف چینی به عزم دولت روحانی در پیشبرد روابط راهبردی، جدی شدن موضوع رابه تاخیر انداخته است

چرا لاریجانی به چین نرفت؟

عکس: معصی طغوسی

دولت و خطر تکرار اشتباهات اقتصادی

راه‌حل‌هایی برای فرار از ابرتورم

۱۸

رئیس دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران در گفت‌وگو با فرهیختگان:

۶ هزار بیمار کرونایی در بیمارستان‌های دانشگاه آزاد بهبود یافتند

۱۶

ترامپ و بایدن آخرین مناظره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را برگزار می‌کنند

دوئل برای تصاحب ایالت‌های چرخشی

۱۷

یادداشت - ۲

شاخص‌های جهانی چه تصویری از وضعیت توسعه اجتماعی ایران ارائه می‌دهند؟

۱۰۰ در رتبه ۱۱۹ جهانی جای دارد.

۲- شاخص کامیابی لگاتوم ۲۰۱۹ (The Legatum Prosperity Index)
موسسه لگاتوم هر ساله با استفاده از داده‌هایی که خود گردآوری می‌کند و ترکیب آنها با داده‌های نظرسنجی «موسسه نظرسنجی گالوپ»، «مرکز تحقیقات پیو» و داده‌های «سازمان سلامت جهان»، «یونسکو»، «یونیسف»، «سازمان تجارت جهانی»، «سازمان بین‌المللی کار»، «بانک جهانی»، «صندوق بین‌المللی پول» و... کشورهای جهان رتبه‌بندی می‌کند. شاخص کامیابی لگاتوم (۲۰۱۹)، ثروت و رفاه جامعه را بر مبنای سه رکن، ۱۲ مولفه و ۶۵ شاخص به‌طور همزمان می‌سنجد. سه رکن عبارتند از: ۱- «جامعه شمول‌یافته یا جامعه همگان (inclusive society)» شامل مولفه‌های «ایمنی و امنیت»، «آزادی فردی»، «حکمرانی» و «سرمايه اجتماعی»، ۲- اقتصاد آزاد (open economic) شامل «وضعیت سرمایه‌گذاری»، «موقعیت کارآفرینی»، «امکانات و زیرساخت‌ها»، «کیفیت اقتصادی» و «مردم توانمند (empowered people)» شامل «وضعیت زندگی»، «سلامت»، «آموزش» و «محیط زیست» است. نمره هر رکن در بازه (۰-۱۰۰) تعریف می‌شود و کشورها برحسب امتیاز در هر یک از ارکان و مولفه‌های یادشده، بین ۱۰۰-۱۶۷ رتبه‌بندی شده‌اند.

وضعیت کنونی توسعه اجتماعی در ایران براساس شاخص کامیابی لگاتوم در مقایسه با سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد، کشور با نمره ۴۸/۳ از ۱۰۰ در میان ۱۶۷ کشور مورد بررسی در سال ۲۰۱۹، در جایگاه ۱۱۹ قرار دارد.

۳- شاخص توسعه انسانی ۲۰۱۹ (Human Development Index)
برنامه توسعه ملل، از سال ۱۹۹۰ اقدام به انتشار گزارش‌هایی تحت‌عنوان «گزارش توسعه انسانی» کرده که آخرین آن در سال ۲۰۱۹ منتشر شده است.

شاخص توسعه انسانی مرکب از سه جزء طول عمر، دانش و درآمد سرانه است. طول عمر با شاخص امید به زندگی، دانش از طریق ترکیبی از نرخ باسوادی بزرگسالان و سطح زندگی با سرانه تولید ناخالص داخلی تعدیل شده برحسب هزینه‌محل زندگی اندازه‌گیری می‌شود. در آمریکا ثبت شده است و اولین گزارش شاخص پیشرفت اجتماعی در سال ۲۰۱۲ برای ۵۰ کشور تدوین و منتشر شد.

مهم‌ترین مساله و در واقع ایده اصلی گزارش شاخص پیشرفت اجتماعی این است که دیگر تولید ناخالص داخلی و دیگر سنجش‌های اقتصادی نمی‌توانند به‌تنهایی به‌عنوان معیاری کارآمد و جامع برای سنجش توسعه‌یافتگی کشورها استفاده شود.

طبق این شاخص، «پیشرفت اجتماعی» عبارت است از «ظرفیت جامعه در برآوردن نیازهای اساسی شهروندان، ایجاد شرایطی که به شهروندان و اجتماعات محلی اجازه دهد کیفیت زندگی خویش را ارتقا داده و تثبیت کنند و به وجود آوردن موقعیتی که همه افراد بتوانند به همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود دست یابند.»

یادداشت عمومی، «سرینه امسکن»، امنیت فردی (Foundations of Wellbeing) (دسترسی به دانش پایه‌ای، بنیان‌های به‌زیستن، ایمنی‌سختی، فرصت‌های برابر، سلامت و تندرستی، کیفیت محیط زیست) فرصت‌ها Opportunity) (حقوق فردی، آزادی فردی و حق انتخاب، مدارا و ادغام، دسترسی به آموزش عالی)

نتایج رتبه‌بندی سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد، ایران با نمره ۶۷/۴۹ از ۱۰۰ در میان ۱۶۳ کشور رتبه ۹۳ را به خود اختصاص داده است. شایان ذکر است ایران با درآمد سرانه ۱۴/۵۳۶ دلار در رتبه ۷۷ جهان قرار دارد. گفتمانی است رتبه ایران به تفکیک ابعاد شاخص پیشرفت اجتماعی بدین شرح است: در بعد نیازهای اساسی انسانی با نمره ۸۵/۲۵ از ۱۰۰ در رتبه ۶۶، در بعد بنیان‌های به‌زیستن با نمره ۶۸/۸۶ از ۱۰۰ در رتبه ۹۹ و در بعد فرصت‌ها با نمره ۴۸/۳۵ از

ابراهیم شیرعلی
پژوهشگر اسیا

رشد شاخص‌های اقتصادی و افزایش تولید ناخالص ملی، همبسته به معنای تأمین کالاهای ضروری خانواده‌ها، دسترسی به خدمات ضروری شهری، مراقبت بهداشتی، دسترسی به مسکن، کاهش فقر، پایداری زیست‌محیطی، تضمین مشارکت در تصمیم‌گیری، تحقق حقوق بشر و اشتغال مولد نیست. پس از دهه ۱۹۵۰ میلادی تجربه فعالیت‌های سازمان ملل در برخی کشورهای جهان سوم و برخی کشورهای که تجربه نوسازی پس از استعمار را سپری کرده‌اند، نشان داد صرف رشد اقتصادی، زندگی اکثر مردم در این کشورها در بیشتر زمینه‌ها بدون تغییر و بهبودی همچنان در سطح پایین نگاه می‌دارد. در چنین فضایی نگاه منعطف و چندبعدی به توسعه در کنار بعد اقتصادی به‌وضوح قابل تشخیص است. این تغییر پارادایمی در توسعه معطوف به تحول و توسعه اجتماعی است که ضمن گسترش افق‌های انتخاب و آزادی افراد، کاهش فقر و تخریب محیط زیست، افزایش بهداشت و طول عمر و به‌طور کلی ارتقای کیفیت زندگی را به همراه دارد. برنامه‌های بانک جهانی بعد از دهه ۱۹۷۰، نشست سازمان ملل (۱۹۹۵) در شهر کینشاسا، گزارش سازمان ملل در اوایل دهه ۱۹۹۰ با رویکرد توسعه انسانی، صدور بیانیه آمستردام، اهداف توسعه هزاره و سایر نشست‌های مرتبط با توسعه و محیط زیست نقاط عطفی در کاربرد رویکرد توسعه اجتماعی است. شاخص‌های مختلفی برای سنجش مفهوم توسعه اجتماعی وجود دارد که از سوی سازمان‌های جهانی و بین‌المللی ارائه شده‌اند. در این یادداشت سعی شده است برخی از مهم‌ترین شاخص‌ها و گزارش‌هایی که در سطح بین‌المللی وضعیت توسعه اجتماعی را مورد سنجش قرار می‌دهند، معرفی شوند و با توجه به شاخص‌های انتخابی، گزارشی از وضعیت کنونی توسعه اجتماعی در ایران ارائه شود.

۱- شاخص پیشرفت اجتماعی ۲۰۲۰ (Social Progress Index)
«شاخص پیشرفت اجتماعی» شاخصی است که با دیدگاه اجتماعی و انسان‌محور وضعیت توسعه و پیشرفت کشورها را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص توسط سازمان غیرانتفاعی ضرورت پیشرفت اجتماعی هر ساله گزارش می‌شود. این سازمان غیرانتفاعی در سال ۲۰۱۲ در آمریکا تأسیس شده است و اولین گزارش شاخص پیشرفت اجتماعی در سال ۲۰۱۲ برای ۵۰ کشور تدوین و منتشر شد.

مهم‌ترین مساله و در واقع ایده اصلی گزارش شاخص پیشرفت اجتماعی این است که دیگر تولید ناخالص داخلی و دیگر سنجش‌های اقتصادی نمی‌توانند به‌تنهایی به‌عنوان معیاری کارآمد و جامع برای سنجش توسعه‌یافتگی کشورها استفاده شود.

طبق این شاخص، «پیشرفت اجتماعی» عبارت است از «ظرفیت جامعه در برآوردن نیازهای اساسی شهروندان، ایجاد شرایطی که به شهروندان و اجتماعات محلی اجازه دهد کیفیت زندگی خویش را ارتقا داده و تثبیت کنند و به وجود آوردن موقعیتی که همه افراد بتوانند به همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود دست یابند.»

یادداشت عمومی، «سرینه امسکن»، امنیت فردی (Foundations of Wellbeing) (دسترسی به دانش پایه‌ای، بنیان‌های به‌زیستن، ایمنی‌سختی، فرصت‌های برابر، سلامت و تندرستی، کیفیت محیط زیست) فرصت‌ها Opportunity) (حقوق فردی، آزادی فردی و حق انتخاب، مدارا و ادغام، دسترسی به آموزش عالی)

نتایج رتبه‌بندی سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد، ایران با نمره ۶۷/۴۹ از ۱۰۰ در میان ۱۶۳ کشور رتبه ۹۳ را به خود اختصاص داده است. شایان ذکر است ایران با درآمد سرانه ۱۴/۵۳۶ دلار در رتبه ۷۷ جهان قرار دارد. گفتمانی است رتبه ایران به تفکیک ابعاد شاخص پیشرفت اجتماعی بدین شرح است: در بعد نیازهای اساسی انسانی با نمره ۸۵/۲۵ از ۱۰۰ در رتبه ۶۶، در بعد بنیان‌های به‌زیستن با نمره ۶۸/۸۶ از ۱۰۰ در رتبه ۹۹ و در بعد فرصت‌ها با نمره ۴۸/۳۵ از

بحران نیروی انسانی در آموزش و پرورش و ماجرای کفش‌های میرز انوروز

گذشت ۱۱ سال از تصویب قانون تعیین تکلیف و الحاقیه و اصلاحیه‌های متعدد این قانون نشان می‌دهد که این قانون تنها مشمولان قبل از سال ۱۳۸۸ را به‌درستی تعیین تکلیف نکرده، بلکه در هر بار اصلاح و الحاق، دایره مشمول آن افزایش یافته است. مطابق طرح جدید مجلس دایره مشمول این قانون تا معلمان خرید خدمات شاغل در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۹۹ افزایش یافته که با معتبر بودن قانون خرید خدمات و استعمرار این روند مجلس، پیش‌بینی می‌شود الحاقیه دیگری نیز برای مطالبات استعدামী افرادی که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ و بعد از آن مشغول به کار هستند یا خواهند شد ارائه خواهد شد و شمار مشمولان قانون تعیین تکلیف به بیش از ۳۰۰ هزار نفر افزایش خواهد یافت. این روند ۱۰ ساله علاوه بر آنکه نشانگر ضعف قوه مقننه کشور در قانونگذاری جامع، دقیق و آینده‌نگرانه است، یک بدعت بسیار بد را در کشور برجای نهاده که هر کس به هر شکل و هر عنوان در مدرسه به کار گرفته شود، عاقبت با مصوبه مجلس استخدام خواهد شد. به‌عبارتی از یک سو مجلس مشغول تعیین تکلیف افرادی است که در گذشته به کار گرفته شده‌اند و آموزش و پرورش نیز مشغول جذب افراد بالاتر تکلیف جدید برای تعیین تکلیف از طریق مجلس است؛ یعنی مجلس به‌جای اتخاذ «رویکرد آینده‌ساز»، «رویکرد خوشه‌چینی» را ترجیح داده و بدیهی است این رویکرد و طرح‌های غیرجامع، مقطعی و کوتاه‌نگرانه به هیچ‌عنوان قادر به حل مشکلات آموزش و پرورش و کشور نخواهند بود. صرف نظر از این موارد خطای راهبردی در اصل ارائه این طرح‌ها وجود دارد و بازگشت دوباره آن به صحن مجلس یادآور ضرب‌المثل «کش‌های میرزا نوز» است، مفاد این طرح مغایر با عدالت است و موجب ورود نیروی بی‌کیفیت به آموزش و پرورش به‌خصوص در مناطق محروم خواهد شد، که به برخی از آنها اشاره می‌شود: این افراد از سال ۱۳۹۴ تاکنون امکان شرکت در آزمون استعدামী آموزش و پرورش را داشته‌اند و می‌توانستند با طی دوره یک‌ساله (ماده ۲۸ دانشگاه فرهنگیان) استخدام شوند، لذا عدم استخدام آنها از آن طریق، می‌تواند به دلیل نداشتن شایستگی‌های حداقلی برای پذیرش از طریق آزمون، مصاحبه و گذراندن دوره یک‌ساله باشد، لذا استخدام این افراد بدون آزمون و مصاحبه تزیق نیروی کم‌کیفیت به آموزش و پرورش است. برای جذب معلم خرید خدمات و برون‌سپاری چارچوب شفاف رقابتی و فرصت‌های یکسان وجود نداشته و عموماً موسسان مدارس غیردولتی نابرابر تشخیص خود و با یک گزینش ابتدایی موقت افرادی را به‌عنوان معلم خرید خدمات به کار می‌گرفتند، لذا افتالش شدن حق استخدامی برای افرادی که به‌شکل غیرعادلانه و به‌صورت اضطراری مدتی را در مدارس اشتغال داشته‌اند، مغایر با عدالت است.

بسیاری از این افراد از نظر سن، ارتباط مدرک تحصیلی، منطقه محل خدمت متناسب با نیاز آموزش و پرورش نیستند و سوی دیگر آموزش و پرورش بر مبنای نیاز سال‌های آتی اقدام به جذب در دوره چهارساله دانشگاه فرهنگیان کرده که الزام به استخدام این افراد سبب خواهد شد، تعدادی مناطق در چندسال آینده دارای نیروی مازاد شوند. از آنجا که همه این افراد می‌توانند در آزمون استخدامی (ماده ۲۸) شرکت کنند، راهکار عادلانه و منطقی آن است که این افراد پس از شرکت در آزمون به تناسب سابقه همکاری از یک ضریب مثبت در محاسبه امتیاز نهایی برخوردار شوند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود نمایندگان محترم مجلس قبل از آنکه تازش خود را برای تعیین تکلیف نیروهایی که عموماً به شش‌ماهه ناصحیح غیررقابتی و بدون سنجش صلاحیت و به‌صورت اضطراری وارد آموزش و پرورش شده‌اند، صرف تکلیف ابتدا تکلیف شیوه‌های جامع و عملیاتی جذب، تأمین و تربیت معلمان و منابع انسانی در سال‌های بعد را مأمین کنند. در چنین حالتی به تعداد نیروهای بالاتر تکلیف استخدامی افزوده نشده و آنگاه می‌توان نیروهای بالاتر تکلیف گذشته را بر مبنای سوابق صلاحیت و شایستگی تعیین تکلیف کرد. تعیین تکلیف روش‌های تأمین معلم قبل از تعیین تکلیف نیروهای به کار گرفته‌شده در گذشته، مصداق «بستن آب از سرچشمه است» و سبب خواهد شد، نیروهای آموزش و پرورش از این به‌بعد بر مبنای الگوها و روش‌های شفاف قانونی جذب شوند. عدم تصویب شیوه‌های علمی، بهینه و قابل اجرا برای تأمین معلم، همچنان حالت‌های اضطراری و بحرانی ۱۰ سال گذشته را به آموزش و پرورش تحمیل خواهد کرد و مجلس و آموزش و پرورش در موضع انفعال و حتی تقابل بیدار هر روز با سنجگی مطالبات استخدامی بحق و نایحی افراد در آموزش و پرورش باشند.

حجت‌الله بنیادی
مدرس دانشگاه فرهنگیان

کمبود شدید معلم، افزایش نسبت دانش آموز به معلم، افزایش هر سال دانش آموزان طرح خرید خدمات آموزشی، ابهام در میزان نیاز به معلم و اصل قرار گرفتن پذیرش از طریق ماده ۲۸ اسانسه دانشگاه فرهنگیان بخشی از مسائل تأمین معلم در کشور است. از ۳۹۴ هزار نیروی جذب‌شده در ۱۰ سال گذشته بیش از ۱۹۷ هزار نفر (۵۰ درصد) بدون در نظر گرفتن کیفیت و شیوه‌های علمی سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای به کار گرفته شده و به استناد مجوزها و مصوبات موردی استخدام شده‌اند. دانش آموزان تحت پوشش خرید خدمات آموزشی از ۱۲۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ به بیش از ۶۹۶ هزار نفر در سال ۱۳۹۹ و تعداد مشمولان قانون تعیین تکلیف نیز از ۶۰ هزار در سال ۱۳۸۸ به بیش از ۲۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است. روش‌های مختلف تأمین معلم شامل دوره چهارساله (پذیرش از دبلم با پرداخت حقوق در دوره تحصیل)، دوره یک‌ساله (پذیرش از لیسانس بدون پرداخت حقوق در دوره مهارت‌آموزی)، سرپای معلم خرید خدمات آموزشی (قراردادهای غیرشفاف توسط مدارس غیردولتی) و طرح برون‌سپاری، حکایت از استعمرانی‌سامانی و ناعدالتی در زمینه تأمین و تربیت معلم دارد. در کنار شیوه‌های ناصحیح تأمین معلم، دانشگاه فرهنگیان نیز از نظر بودجه، فضای آموزشی، اعضای هیات علمی، برنامه‌های آموزشی و برنامه توسعه وضعیت مناسبی ندارد. افزایش سن استخدام (پذیرش از دبلم) از ۲۲ به ۲۴ سال و کاهش تعداد دعوت‌شدگان، به‌مصاحبه دانشگاه فرهنگیان از دور بر ظرفیت به ۱/۵ بار ظرفیت در سال ۱۳۹۹، جدیدترین تصمیم در زمینه جذب و پذیرش معلم است که به کاهش کیفیت نیروهای ورودی منجر خواهد شد. راه‌اندازی «مرکز مهارت‌آموزی دانشگاه فرهنگیان» در شهرهای آرادان، ایذه، مسجد سلیمان، شوش، شادگان، سوسنگرد، زابل، فرسنگان، مراغه، آران و بیدگل، شاهرود و... در کنار طرح صد-سی و یک (پردیس‌های صدگهتاری در مرکز استان‌ها) نشان دهنده اصل قرار گرفتن ماده ۲۸ در این دانشگاه است. این وضعیت نشان می‌دهد ضعف برنامه‌ریزی و کم‌توجهی در جذب، تربیت و تأمین معلم اقتدر ریشه‌دار و عمیق است که تصویب سند تحول و زیر نظام تربیت معلم نیز بهبودی در آن ایجاد نکرد و حتی بر نابسامانی آن نیز افزوده است. اما تاامل برانگیزتر از همه این مسائل «رویکرد خوشه‌چینی» مجلس در قبال کمبود معلم و مسائل منابع انسانی آموزش و پرورش است. الحاق و اصلاح بیشتر از ۱۰ باره قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس از سال ۱۳۸۸ مصداق بارز غلبه چنین رویکردی است. تمرکز و اصرار مجلس بر اصلاح و الحاق قانون مذکور از یک‌سو و خلأ قانونی و ضعف برنامه‌ریزی منابع انسانی و مهیا نکردن امکانات و شرایط برای تربیت معلم در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ از سوی دیگر سبب شد دولت در سال ۱۳۹۳ برای برگردن کلاس‌های درس پیشنهاد «طرح خرید خدمات آموزشی» را به مجلس ارائه کند و در اسفندماه ۱۳۹۳ در قانون غیرمرتبط «الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» (۲) به تصویب رسید. طرح اخیر مجلس با عنوان «طرح الحاق تبصره ۱۱ به ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی»، قصد دارد طرف مدت دو سال، معلمان طرح خرید خدمات آموزشی را که در طول سال‌های تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ تا ۹۹-۱۳۹۸ براساس قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) به کار گرفته شده‌اند پس از گذراندن یک دوره (حد اکثر سه ماهه) در دانشگاه فرهنگیان به‌استخدام آرد. این طرح نیز مانند طرح‌های دیگری که در حوزه استخدام و به کارگیری معلمان از سال ۱۳۸۸ در مجلس تصویب شده‌اند، معطوف به حل مشکلات گذشته و رفع مشکل استخدامی افرادی است که به دلیل خلأ قانونی و ضعف نظارت در جذب و به کارگیری منابع انسانی رخ داده است. طرح‌های متعدد مجلس برای حل مشکلات استخدامی مربوط به گذشته درحالی در صحن مطرح می‌شوند که از سال ۱۳۸۸ تاکنون یک لایحه از سوی دولت برای ساماندهی به موضوع استخدام معلمان ارائه نشده است. به‌عبارتی دولت به‌جای اهتمام برای تصویب قانونی جامع برای جذب و استخدام در آموزش و پرورش به استفاده از روش‌های موقت اقدام کرده و مجلس نیز در موضع انفعال به‌تصویب قانون برای رفع مشکلات افرادی که به‌شکل ناصحیح و موقت و در شرایط اضطرار وارد آموزش و پرورش شده‌اند، اقدام کرده است.